



- 1 هر که تأديب را دوست می‌دارد معرفت را دوست می‌دارد، اما هر که از تنبيه نفرت کند وحشی است.
- 2 مرد نیکو رضامندی خداوند را تحصیل می‌نماید، اما او صاحب تدبیر فاسد را ملزم خواهد ساخت.
- 3 انسان از بدی استوار نمی‌شود، اما ریشه عادلان جنبش نخواهد خورد.
- 4 زن صالحه تاج شوهر خود می‌باشد، اما زنی که خجل سازد مثل پوسیدگی در استخوانهایش می‌باشد.
- 5 فکرهای عادلان انصاف است، اما تدابیر شریران فریب است.
- 6 سخنان شریران برای خون در کمین است، اما دهان راستان ایشان را رهایی می‌دهد.
- 7 شریران واژگون شده، نیست می‌شوند، اما خانه عادلان برقرار می‌ماند.
- 8 انسان بر حسب عقلش ممدوح می‌شود، اما کج‌دلان خجل خواهند گشت.
- 9 کسی که حقیر باشد و خادم داشته باشد، بهتر است از کسی که خویشان را برافرازد و محتاج نان باشد.
- 10 مرد عادل برای جان حیوان خود تفکر می‌کند، اما رحمت‌های شریران ستم‌کشی است.
- 11 کسی که زمین خود را زرع کند از نان سیر خواهد شد، اما هر که اباطیل را پیروی نماید ناقص‌العقل است.
- 12 مرد شریر به شکار بدکاران طمع می‌ورزد، اما ریشه عادلان میوه می‌آورد.
- 13 در تقصیر لبها دام مهلك است، اما مرد عادل از تنگی بیرون می‌آید.
- 14 انسان از ثمره دهان خود از نیکویی سیر می‌شود، و مکافات دست انسان به او ردّ خواهد شد.
- 15 راه احمق در نظر خودش راست است، اما هر که نصیحت را بشنود حکیم است.
- 16 غضب احمق فوراً آشکار می‌شود، اما خردمند خجالت را می‌پوشاند.
- 17 هر که به راستی تنطق نماید عدالت را ظاهر می‌کند، و شاهد دروغ، فریب را.
- 18 هستند که مثل ضرب شمشیر حرف‌های باطل می‌زنند، اما زبان حکیمان شفا می‌بخشد.
- 19 لب راستگو تا به ابد استوار می‌ماند، اما زبان دروغگو طرف[e]العینی است.
- 20 در دل هر که تدبیر فاسد کند فریب است، اما مشورت‌دهندگان صلح را شادمانی است.
- 21 هیچ بدی به مرد صالح واقع نمی‌شود، اما شریران از بلا پُر خواهند شد.

22 لبهای دروغگو نزد خداوند مکروه است، اما عاملان راستی پسندیده او هستند.

23 مرد زیرك علم را مخفی می‌دارد، اما دل احمقان حماقت را شایع می‌سازد.

24 دست شخص زرنگ سلطنت خواهد نمود، اما مرد کاهل بندگی خواهد کرد.

25 کدورت دل انسان، او را منحنی می‌سازد، اما سخن نیکو او را شادمان خواهد گردانید.

26 مرد عادل برای همسایه خود هادی می‌شود، اما راه شیربران ایشان را گمراه می‌کند.

27 مرد کاهل شکار خود را بریان نمی‌کند، اما زرنگی، توانگری گرانیهای انسان است.

28 در طریق عدالت حیات است، و در گذرگاههایش موت نیست.